

مجید موقر

تجلی روح ایمان در :

دانشگاه گندی شاپور



دانشگاه گندی شاپور در پانزده سده پیش از آنجهت شهرت جهانی یافت که علم و دین را همچو شروشر بهم آمیخته داشت، نه تنها بزرگترین بیمارستان وابسته به معتبرترین دانشکده پزشکی را اداره میکرد و مجربترین پزشکان و استادان را در اختیار آنها میگذاشت بلکه بزرگترین فیلسوفان و موبدان و دینداران را گرد میآورد و بتعلیم و تربیت میکماشت. همین شهرت آزادمنشی و دینداری و خداشناسی بود که هفت فیلسوف نامی رم که نتوانستند آزادانه در امپراتوری رم بسر برند و بنشر معتقدات خود پردازند بدربار انوشیروان دادگر روی آوردند و دانشگاه گندی شاپور را بهترین و مناسبترین جایگاه برای تبیین ژرفای اصول فلسفی خود یافتند و بسوی آن شتافتند و در آنجا بتدریس پرداختند .

در این هنگام که يك باردیگر این دانشگاه تاریخی احیا میشود اینك جنبش همین دینداری و خداشناسی در آن نمودار است . البته خدا همان خداست : يك است و دو نیست ولایتغیر است، خواه او را «هورامزدا» نامند یا «الله» گویند یا «یهوه» خوانند یا «خدا» دانند. در آن روزگار خدا را برسم زرتشتیان بنام هورامزدا مینامیدند ، امروز «تکبیر» گویان بر منابر و در منازل و مساجد «الله اکبر» سرایند و بدان مباهات نمایند .

سفر اخیر نگارنده بخوزستان مصادف بود با برگزاری جشن گشایش خوابگاه دانشجویان در دانشگاه آقای دکتر تراب مهر که ریاست دانشگاه را با شایستگی و دلسوزی بر عهده دارد در طی سخنرانی جامعی که ایراد نمود هدف دانشگاه را تشریح فرمود. روسای ادارات از کشوری تا لشکری حضور داشتند. استاندار نیز موقع را مغتنم شمرد و مراتب دلبستگی شاهنشاه آریامهر را به پیشرفت دانشگاه گنبدیشاپور نوید داد. چون نگارنده با این دانشگاه بخصوص سابقه ممتد داشته دعوت بسخنرانی شدم. ضمن مطالبی که اظهار داشتم دو نکته را تذکر دادم که یادآوری آنها در اینجا بی مورد نیست: یکی لزوم ساختن مسجد و کتابخانه و موزه در محوطه دانشگاه برای استفاده استادان و دانشجویان و دیگر ضرورت کمک مالی بیشتری از طرف شرکت ملی نفت ایران نسبت به دانشگاه این استان که بردر یائی از نفت و گاز قرار دارد و آنهمه بایران و ایرانی سود میبخشد.

پس از برگزاری جشن چند نفر از دانشجویان بنگارنده مراجعه کردند و مژده دادند که از هم اکنون «جامعه اسلامی» از طرف خود دانشجویان در دانشگاه تأسیس شده و دانشجویان برای ادای فرایض دین خود جائی را بر گزیده اند مرتباً بعبادت میپردازند و نماز میگذارند و این خود دلالت برین دارد که همان حس دیرینه دینداری با احیای دانشگاه گنبدیشاپور يك بار دیگر در روحیه دانشجویان دمیدن گرفته و جان جوانان را بدینسان زنده میدارد.

پیش از آنکه از جریان تشکیل «جامعه اسلامی» در قلب دانشگاه گنبدیشاپور آگاه شوم لزوم ساختن مسجد و کتابخانه و موزه و تأسیس دانشکده الهیات و ادبیات و توجه بیشتری بمسائل دینی و اخلاقی و ایمانی و عرفانی و ادبی را ضمن سخنرانی خود تذکر داده بودم: نگارنده در طی مسافرتهاى بیشمار در سرتاسر جهان و تماس مکرر با دانشگاهیان و دانشجویان در شرق و غرب جهان خود شاهد و ناظر بوده ام که چگونه اخلاق جوانان بویژه در کشورهای پیشرفته مانند امریکار و بنساده و تباهی میرود و این سیر قهقرائی رو برو سر میتر و و خیمتر میگرد و علت العلل تمام نابسامانیها توجه نداشتن بمسائل دینی و اخلاقی است زیرا انسان تا بزبور دینداری و خداشناسی آراسته نباشد از هر درنده خونخواری خطرناکتر است. برای تحقیق این موضوع بسیار مهم فرهنگی و آموزشی و اخلاقی و اجتماعی دوروز با «بیت نیکهای» امریکائی در قلب شهر بزرگ نیویورک بسر بردم و از میزان بدینی و زمام گسختگی و بی عفتی و بیشرمی آنها آگاهی مستقیم بدست آورده ام. از این روست

که خطر «ساد جوانان» را در عصر حاضر درک کرده و علیه آن بمبارزه پرداخته و برای جلوگیری از این سیل خانمان بر انداز فساد و فحشا نظریات خود را طی مقالات متعددی برشته تحریر در آورده‌ام. از آنجمله «تمدن غرب را بشناسید» بود مندرج در شماره ۴ سال ۱۳۴۵ مجله مهر و «زنک خطر» در شماره پیش همین مجله.

با توجه باین حقایق تلخ بود که در طی سخنرانی در این جشن دانشگاهی از فرصت استفاده نمودم و توجه اولیای دانشگاه را بدین نکته مهم جلب کردم که جانب دین و دیانت و اخلاق و عفت را در هر فرصتی با جدیتی هر چه تمامتر رعایت کنند؛ نخست دین و اخلاق را در قالب دانشجویان تقویت کنند سپس مغز آنها را با فرمولهای ریاضی و دستورهای شیمیایی انباشته سازند؛ مگر نگفته‌اند: «چه دزدی با چراغ آید گزیده تر بر دگالا» متأسفانه چه بسیارند پزشکانی که علم مقدس پزشکی را وسیله اخاذی و پولپرستی قرار داده و میدهند. معلوم میشود از دیر زمان این خوی ناپسند پولپرستی در نهاد کج بنیاد برخی پزشکان بی‌ایمان جاری و ساری بوده که فن شریف پزشکی آلت اخاذی شده است.

بمنظور اجرای اصول دینداری و تقویت مکارم اخلاقی در آن جلسه پیشنهاد نمودم دانشگاه الهیات و ادبیات هم‌ردیف با سایر دانشکده‌های علمی و فنی تأسیس شود البته هزینه این دودانشکده نسبت بسایر دانشکده‌ها کم خرج تر است و نیز مسجدی در دانشگاه ساخته شود و حضار را دعوت کردم تا برای ساختن مسجد از جیب قوت خود مساعدت کنند. دانشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در باره لزوم مساعدت بیشتری از طرف شرکت ملی نفت ایران نسبت بدانشگاه گندی شاپور تذکر دادم زیرا شرکت ملی نفت ایران تاکنون مساعدتهای سخاوتمندانه نسبت بسایر دانشگاه‌ها در تهران و شیراز و مشهد و سایر شهرستانها مبذول داشته ولی آنچه را که بدانشگاه گندی شاپور مساعدت کرده متناسب با انتظارات حقه مردم خوزستان نیست؛ سرزمین زرخیز خوزستان است که عمده درآمد دولت را تامین میکند و درآمدهای کلان از منابع نفت، گاز، کمرگ آب و برق و غیره نصیب خزانه دولت میسازد. در این روزگار که صحبت از دادن استقلال بیشتری باستانها در میان است همچنانکه در کشورهای مرفقی، مانند آمریکا و سوئیس و یا کشورهای «در حال توسعه» مانند هند و پاکستان که استانها از خود مجلس مقننه و مجریه و قضائیه و غیره دارند حق اینست که مردم رنج دیده و ستم کشیده خوزستان از درآمدهای سرشاری که از منابع نفت و گاز و غیره عاید دولت میدارند و برکت این منابع خوزستانی بهمه ایرانی میرسد خود مردم خوزستان هم با انسبه بسیارین سهم برند و محروم نمائند

البته در مراجعت بنهران، طلب را با جناب آقای دکتر اقبال رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران در میان گذاشتم و چون ایشان خود بیش از جنبه‌های دیگر، فرهنگی هستند و بعد، مساعدت دادند تا چه کند همت والای ایشان.

چون در جلسه سالانه کلوب لاینز، لزوم تشکیل کمیته دستداران دانشگاه گندی‌شاپور، را مطرح کردم، خود نگارنده را مأمور تشکیل این کمیته کردند، نخستین جلسه این کمیته در خود دانشگاه در دفتر آقای شهروان معاون ریاست دانشگاه در غیاب دکتر مهراکه برای کارهای دانشگاهی با آمریکا مسافرت کرده بود تشکیل یافت و فی‌المجلس وجوهی جمع آوری شد.

در همین نخستین جلسه معلوم شد که البته خود مردم خوزستان علاقه وافری بگسترش دانشگاه دارند و توجه بیشتری به تقویت اصول اخلاقی مبذول میدارند البته ایرانی بگواهی گذشته در خشان خود ثابت نموده که خیری نیکوکاری در سرشت او مخمر بوده کما اینکه از دیر زمان پیر و مکتب «اندیشه نیک، گفتار نیک، و کردار نیک» بوده و با تعلیمات عالی‌ه این خوی نیکی در دل او جای دارد و بهمین دلیل بود که آنهمه موقوفات بوجود آوردند و آنهمه خیرات و مبرات کردند و آنهمه موسسات خیریه گذاشته‌اند. در این اواخر که این خوی پسندیده رو به ضعف گذارده از آنجهت است که فساد اداری در دستگاه موقوفات رخنه کرده و اموال موقوفه دستخوش تجاوز گشته و از مردم نیکوکار سلب اطمینان شده.

اکنون که خوشبختانه ایران در راه ترقی و تعالی پیش میرود و اعتمادها بر میگردد کما اینکه همین اداره مغشوش اوقاف اینک بمدیریت جوان با فضل و دانشی مانند آقای عصار که بزور تقوا و طهارت و فضیلت آراسته است بخوبی و شایستگی اداره میشود سر و سامانی بخود گرفته و جلب اعتماد همگانی کرده است. علم انسانی
انتظار کمیته دستداران دانشگاه گندی‌شاپور، از خود مردم خوزستان اینست که برای ساختن مسجد و موزه و کتابخانه در محوطه دانشگاه و برای استفاده فرزندان و نوردیدگان خود همت گمارند و جوهر بپردازند و سود مستقیم آنرا وقف نیکبختی فرزندان و نوردیدگان خود سازند و نام نیکی از خود باقی گذارند.

در نظر است که برای این منظور ضروری و مهم شعبه‌ای از دستداران دانشگاه گندی‌شاپور در تهران نیز تشکیل دهد و گروهی از نیک اندیشان را در این کمیته دعوت نماید تا تهرانیان فرهنگ دوست نیز نسبت بگسترش دانشگاه گندی‌شاپور و ساختمان مسجد و کتابخانه و موزه همت گمارند.